

رهبر انقلاب اسلامی در پیام حج، راه جبران عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی را مقاومت خواندند

ملت افغانستان مراقب جنگ نرم آمریکایی‌ها باشند

فرهیختگان: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به مسلمانان جهان به‌مناسبت ایام حج، استمرار حسرت دل‌های مشتاق از حضور در ضیافت بیت‌الله را امتحانی گذرا خواندند و با تأکید بر لزوم کم‌رنگ نشدن پیام‌های حج، مقاومت دربرابر قدرت‌های متجاوز به‌ویژه آمریکا را ازجمله این پیام‌های متعالی دانستند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معظم‌رهبری، ایشان ضمن اشاره به مشکلات و ناگواری‌های دنیای اسلام، سر برافراشتن عناصر مقاومت و بیداری به‌خصوص در فلسطین، یمن و عراق را از واقعیت‌های امیدآفرین منطقه خواندند و تأکید کردند: «وعده صادق الهی، نصرت مجاهدان است و نخستین اثر این مجاهدت، بازداشتن آمریکاو دیگر زورگویان از دخالت و شرارت در کشورهای اسلامی است.»

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم باحسان الی یوم الدّین.

برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان!

امسال نیز امت اسلامی از نعمت عظیم حج محروم ماندند و دل‌های مشتاق با آه و آفسوس، ضیافت در خانه محترمی را که خدای حکیم و رحیم برای مردم بنانهاده است، از دست دادند. این دومین سال است که موسم شادمانی و بهجت معنوی حج، به موسم فراق و حسرت تبدیل می‌شود و بای بیماری همه‌گیر، وشاید نیز بای سیاست‌های حاکم بر حرم شریف، چشم مشتاق مؤمنان را از مشاهده نماد وحدت و عظمت و معنویت امت اسلامی محروم می‌سازد و این قله پرشکوه و سرفراز را با ابر و غبار می‌پوشاند.

این امتحانی همچون دیگر امتحان‌های گذرای تاریخ امت اسلامی است که می‌تواند فردایی تابناک در پی داشته باشد؛ مهم آن است که حج در شا کله حقیقی اش، در دل و جان آحاد مسلمانان زنده بماند و اکنون که کالبد مناسکِ آن موقتاً حضور ندارد، پیام متعالی آن کم‌رنگ نشود.

حج، عبادتِ پر رمز و راز است. ساخت و ترکیب زیبایی حرکت و سکون در آن، سازنده هویت فرد مسلمان و جامعه مسلمان و نمایش دهنده زیبایی‌های آن در چشم جهانیان

است. از سویی دل‌های آحاد بندگان را با ذکر و خشوع و تضرع، عروج معنوی می‌بخشد و

به خدانزدیک می‌کند، و از سویی با پوشش و پیوش یکسان و حرکات هماهنگ، برادران

را که از چهار گوشه جهان گرد آمده‌اند، به یک‌دیگر پیوند می‌دهد، و از سویی برترین نماد

امت اسلامی را با همه مناسک پرمعنی و رازآلودش در برابر چشم جهانیان می‌گذارد و عزم

و عظمت امت را به رخ بدخواهان می‌کشد.

امسال، حج بیت معظم در دسترس نیست ولی توجه به رب‌البت و ذکر و خشوع و تضرع و استغفار در دسترس است؛ حضور در عرفات میسر نیست اما دعا و مناجات معرفت‌افزا در روزه عرقه میسر است؛ رمی شیطان در منام ممکن نیست اما دفع و طرد شیاطین قدرت طلب

فرهیختگان: در پیام حج رهبر انقلاب خطاب به مسلمانان جهان، ایشان با اشاره

به اینکه مناسک حج و شعائر و شکوه و وحدت حج توکل به خدا و توجه به قدرت لایزال الهی، اعتماد به نفس ملی اعتقاد به تلاش و مجاهدت، عزم راسخ بر حرکت و امید وافر به پیروزی را نشان می‌دهد، واقعیات صحنه در منطقه اسلامی را باعث افزایش این امید و تقویت آن عزم خواندند. اگرچه در این پیام، ایشان به «ناگواری‌های دنیای اسلام» ازجمله عقب‌ماندگی‌های علمی و وابستگی‌های سیاسی و نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و مصائب فلسطین، یمن، افغانستان و سایر کشورهای اسلامی اشاره کردند، اما در سوی دیگر از امیدی گفتند که در پی «سر برافراشتن عناصر مقاومت در همه این خطه حساس» و بیداری ملت‌های دنیای اسلام» ازجمله عقب‌ماندگی‌های علمی و وابستگی‌های

شاید بسیاری از کسانی که اخبار تحولات غرب آسیا و کشورهای غربی را دنبال می‌کنند، نتوانند در میان این زخم‌های کاری، ردی از امید را پیدا کنند، اما اگر واقعیت صحنه منطقه اسلامی با گذشته نه‌چندان دور، قیاس شود، اوضاع تفاوت می‌کند. برای درک توصیف واقعیت میدانی منطقه اسلامی، بهترین

افراد همان‌هایی هستند که به غرب آسیا آمدند تا واقعیت‌ها را آن گونه که می‌خواهند تغییر دهند، اما با وجود هزینه چند هزار میلیارد دلاری، از اجرایی کردن نقشه‌هایشان بازماندند. بسیاری از این افراد امروز در زیر خروار خاک دفن شده‌اند و کسانی نیز که در قید حیات هستند، به‌واسطه ناکامی‌هایشان، از صحنه قدرت دورتر از همیشه هستند. هدف جورج بوش پسر، رئیس‌جمهور اسبق و کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه اسبق آمریکا از لشکر کشی به افغانستان و عراق، تحقق طرح «خاورمیانه جدید» با هدف تأمین امنیت حداکثری برای رژیم صهیونیستی بود. اگر این نقشه به‌درستی اجرا می‌شد، سومین و چهارمین اهداف برای تهاجم نظامی، ایران و سوریه بودند، اما مقاومت نویای اسلامی در غرب

واقعیات صحنه در منطقه اسلامی حکایت از پایان آمریکادر غرب آسیادارد

مقاومت ورق را برگرداند

آسیا، علاوه بر خنثی کردن نقشه خاورمیانه جدید، آمریکا را در باتلاق افغانستان و عراق به‌نجوی زیر ضربه برد که طرف آمریکایی برای نجات جان سربازانش در عراق دست به‌دامان ایران و در افغانستان دست به‌دامان طالبان شد. در سال ۲۰۰۱ که آمریکا به منطقه آمد، اصلی‌ترین تهدید واشنگتن در منطقه، ایران به حساب می‌آمد و بر همین اساس و با وجود برخی همکاری‌ها در افغانستان، آمریکا ایران را یکی از کشورهای «محور شرارت» نامید. حالا هم ایران بزرگ‌ترین تهدید آمریکادر غرب آسیا است، اما در کنار ایران تهدیدهای دیگری همچون حزب‌الله لبنان، جنبش حماس، انصارالله یمن، حشد الشعبی عراق و... در منطقه شکل گرفته و محوری از مقاومت را تشکیل داده‌اند. دو دهه قبل، بزرگ‌ترین موفقیت حزب‌الله لبنان،

بیرون راندن رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان بود، اما اکنون این نیرو با پیروزی در جنگ سال ۲۰۰۶، توانسته بازدارندگی حداکثری را در برابر رژیم صهیونیستی برای لبنان به ارمان بیاورد. در فلسطین وضع بدتر از لبنان بود. مقاومت دو دهه قبل جز سنگ ایزری نداشت، اما امروز هزاران راکت و صدها موشک با برد بلند دارد که می‌تواند سرتاسر سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار دهد. در عراق، مقاومت اسلامی ارتشی ۳۰۰ هزار نفری دارد که کمتر هت‌های است که پایگاه‌های آمریکا را زیر آتش باران راکتی نبرد و در یمن نیز مردانی به‌پا خاسته‌اند که در برابر ارتش مجهز عربستان و امارات و متحدان غربی‌شان، سر فرود نمی‌آورند. دوده قبل هیچ تحلیل‌گری در آمریکا گمان نمی‌کرد ایران و گروه‌های کوچک مقاومت بتوانند از تهدیدی بزرگ که حضور نظامی آمریکا در منطقه بود، چنین فرصت‌های بی‌نظیری بسازند و به چنان قدرتی برسند که نه‌تنه تهاجم دخالت آمریکادر بسیاری از امور داخلی‌شان شوند، که برای واشنگتن در غرب آسیا خط‌ونشان بکشند. در این گزارش با اشاره‌ای کوتاه به سیری که مقاومت در فلسطین، یمن و عراق طی کرده، پرداخته شده است.

فلسطین

پس از جنگ جهانی دوم و پایان یافتن قیومیت بریتانیا بر فلسطین در ۱۴ می سال ۱۹۴۸، رژیم صهیونیستی اعلام استقلال کرد. کشورهای عربی که حاضر به پذیرش موجودیت رژیم صهیونیستی نبودند، برای کمک به اعراب فلسطینی، به فلسطین لشکر کشی کردند، اما صهیونیست‌ها با ترغند نبوت‌بس شورای امنیت، فرصت خرید تجهیزات نظامی را پیدا کردند و توانستند ارتش مصر را متوقف کرده و ارتش‌های سوریه و لبنان را نیز شکست دهند. دومین جنگ در ۵ ژوئن سال ۱۹۶۷ با حمله پیش‌دستانه نیروی هوایی رژیم صهیونیستی به اغلب فرودگاه‌های نظامی مصر و انتهایم ۴۵۰ جنگنده کشورهای عربی آغاز شد. ارتش رژیم صهیونیستی، نیروهای مصری حاضر در غزه را شکست داده و راهی صحرای سینا شده و آن را نیز اشغال کرد. صهیونیست‌ها کرانه باختری رود اردن و بلندی‌های جولان و بخشی از خاک لبنان را اشغال کردند تا وسعت رژیم صهیونیستی در دومم افزایش پیدا کند. در این جنگ ۲۱ هزار سرباز کشورهای عربی کشته، ۴۵ هزار نفر زخمی و ۶ هزار تن اسیر شدند. تلفات صهیونیست‌ها اما بسیار ناچیز بود؛ ۷۰۰ کشته، ۲۵۰۰ زخمی و تنها ۱۵ اسیر. در جنگ ۱۹۷۳ هم کشورهای عربی به‌نتیجه‌ای دست پیدا نکردند تا رژیم صهیونیستی تبدیل به یک ارتش شکست‌ناپذیر بشود. با پیروزی انقلاب، جرقه‌های مقاومت اسلامی در منطقه زده شد. نخستین نشانه این مقاومت در لبنان خودنمایی کرد که جوانان لبنانی توانستند با ساده‌ترین سلاح‌ها، صهیونیست‌ها را عقب برانند. موج مقاومت اسلامی در لبنان، به فلسطین هم رسید اما محاصره عجیب فلسطینیان، مانع از آن شده بود که سلاح به دست فلسطینی‌ها برسد. با این حال اما انتفاضه نخست در سال ۱۹۸۷ آغاز شد و فلسطینی‌ها با دست خالی و سنگ ۱۶۰ صهیونیست را به هلاکت رساندند. برخلاف انتفاضه اول، در انتفاضه دوم نه سنگ بلکه راکت‌هایی با برد یک کیلومتری ساخته شد و توانست تلفات چندین برابری به نسبت انتفاضه اول از صهیونیست‌ها بگیرد.

با وجود محاصره زمینی، دریایی، هوایی و حتی زیرزمینی، رزمندگان مقاومت اسلامی فلسطین راکت‌هایی با بردهای مختلفی در سال‌های گذشته ساختند و از راه‌های غیرقابل شناسایی به موشک‌های پیشرفته‌ای همچون کوربت نیز دست پیدا کردند. آن‌ها سال ۲۰۰۸ در جنگ ۲۲ روزه، سال ۲۰۱۲ و در جنگ ۸ روزه و سال ۲۰۱۴ در جنگ ۵ روزه شکست را به رژیم صهیونیستی تحمیل کردند. با این حال اما نقطه عطف فلسطین، جنگ ۱۲ روزه می ۲۰۲۱ بود. در این جنگ، مقاومت به سطحی از اقتدار رسیده بود که از فلسطینی‌های قدس که یک ماه مورد آزار و اذیت صهیونیست‌ها قرار گرفته بودند، حمایت کرد. صهیونیست‌ها که همواره سعی می‌کردند برپایه استراتژی حملات پیش‌دستانه عمل کنند، با وجود اولتیماتوم مقاومت، از هر اقدامی عاجز بودند و تنها نظر گر موشک‌باران سرزمین‌های اشغالی بودند.

باتلاق عراق

آمریکادر مارس ۲۰۰۳ (اسفند ۸۱)، با مشارکت لجستیکی و مالی حدود ۳۰ کشور دیگر از جمله انگلستان، لهستان، ژاپن، اسپانیا، ایتالیا و... با هدف سرنگونی صدام حسین، به عراق حمله کرد. واشنگتن هدف از این تجاوز نظامی را کشف سلاح کشتار جمعی و مجازات صدام به دلیل ارتباط با القاعده خواند. حدودا دو سال بعد، لرد اربین بلئر، مسئول تیم موسوم به تحقیقات جنگ عراق، در مجلس عوام انگلستان به‌طور رسمی اعلام کرد: «نه‌تنها، صدام رئیس‌جمهوری سابق عراق، هیچ سلاح ممنوعه و قابل استفاده‌ای برای حمله در اختیار نداشت، بلکه این سازمان، هیچ مدرک و دلیلی برای همکاری صدام با گروه القاعده نیز پیدا نکرده است.» آمریکا حکومت صدام حسین را در ۳ هفته سرنگون کرد و خود بر عراق حاکم شد. این یک پیروزی بزرگ برای جورج بوش پسر بعد از حمله به افغانستان بود و می‌توانست مسیر را برای تصمیمات بعدی هموارتر کند. آمریکا برای عراق یک حاکم نظامی تعیین کرد و قرار هم نبود به‌سادگی از عراق خارج شود. حضور آمریکایی‌ها در عراق، زمینه را برای عملیات انتحاری علیه شیعیان توسط گروه‌های تندرو و سلفی فراهم کرده بود. در چنین شرایطی بود که گروه‌های مقاومت، مبارزه با آمریکا را در عراق آغاز کردند. با آغاز حملات، آمریکا به ایران و سوریه درباره دخالت در عراق هشدار داد، ولی این هشدارها باعث نشد تا آمریکا در عراق زیر ضربه نرود. مقاومت عراق، تنها با سلاح‌های سبک و بمب‌های کنار جاده‌ای به جنگ اشغالگران آمریکایی رفته و آن‌ها را در سال ۲۰۱۱ مجبور به خروج از عراق و خروج همیشگی از جنوب آن کردند. چند سالی از خروج آمریکا از عراق نگذشته بود که گروهک تروریستی داعش با حمایت تسلیحاتی و لجستیکی آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس در سوریه سر برآورد و کمی بعد به‌سمت مرزهای عراق سرازیر شد. سرعت پیشروی داعش در عراق به اندازه‌ای بود که اگر فتوای آیت‌الله سیستانی در اعلام جهاد چند هفته دیرتر صادر می‌شد، داعش بر تمام عراق مسلط می‌شد. فتوای مرجع عالیقدر عراق، علاوه بر فتنه داعش که فتنه آمریکایی‌ها را نیز خنثی کرد. اگرچه حمله داعش به عراق، زمینه حضور دوباره آمریکا را در عراق فراهم کرد، اما در خلال این سال‌ها، یک مقاومت مردمی و منسجم در عراق ذیل عنوان «حشد الشعبی» شکل گرفت. بنابر گزارش‌ها، بسیج مردمی عراق در حال حاضر بیش از ۳۰۰ هزار نیروی نظامی با فرماندهی واحد دارد. جدا از حشد الشعبی، در عراق گروه‌های بی‌نام و نشانی از مقاومت سر برآوردند که هر هفته یا کمتر از آن، پایگاه‌های آمریکا را در عراق مورد حملات راکتی قرار می‌دهند. آمریکا ابرقدرتی که قرار بود بر تمام عراق مسلط باشد، اکنون حتی توان تأمین امنیت پایگاه‌های نظامی خود در عراق را نیز ندارد. آمریکایی‌ها در ماه‌های گذشته برخی از پایگاه‌های خود در عراق را ترک کرده‌اند، اما این باعث نشده تا مقاومت عراق از خواسته خود برای خروج کامل آمریکا از این کشور، عقب‌نشینی کند. به‌طور حتم اگر آمریکا به عراق حمله نمی‌کرد، هیچ گاه لشکری همچون حشد الشعبی که دشمن آمریکا ست، در عراق شکل نمی‌گرفت.

یمن

صدام دیکتاتور عراق، سودای فتح سه‌روزه تهران را داشت و محمد بن سلمان (شبهه‌ترین فرد به صدام) رویای پیروزی سه‌هفته‌ای در جنگ یمن. هر دو نیز در تجاوز نظامی‌شان، ائتلافی از کشورهای مختلف را به همراه داشتند. با این حال از ۳ رور صدام، ۸ سال گذشت و او نه‌تهران را دید و نه حتی ریگی از خاک ایران را به‌دست آورد. حال باید دید سه‌هفته بن سلمان که از آن حدود ۷ سال می‌گذرد، چه‌سالی به اتمام می‌رسد و او از میدان یمن چه برداشت خواهد کرد. آنقدر پیروزی در یمن برای عربستان و حدود ۴۰ کشور همراهش قطعی بود که آن‌ها نام این عملیات را «توفان قاطعیت» گذاشتند. برخلاف یمنی‌ها که از کمترین امکانات نظامی برخوردار بودند و این شدت کمبود امکانات به‌نجوی بود که باعث شد حوثی‌ها به ارتش پابره‌نه‌ها در دنیا معروف شوند، سعودی‌ها دلارهای سرشار نفتی را تبدیل به بمب و موشک کردند و بر سر یمن ریختند. آن‌ها در این جنگ ماهانه ۵ میلیارد دلار (سالانه ۶۰ میلیارد دلار) هزینه کردند، اما پس از ۶ سال، به هیچ یک از اهداف از پیش تعیین شده خود، یعنی نابودی جنبش مردمی انصارالله یمن دست پیدا نکردند. شاید بهترین توصیف برای این جنگ نابرابر، توثیتی باشد که «علی عبدالوهاب» مجری شبکه یمنی المسیره نوشت. او نوشته بود «۶ سال پیش دنبال سنگ یا چوب کبریت بودیم تا به سوی سعودی‌ها پرتاب کنیم و امروز به لطف خدا، با موشک‌های بالستیک و پهپاد آن‌ها را هدف قرار می‌دهیم.» هر چند سلاح رایج سربازان انصارالله همچنان پیشرفته‌تر از کلاش نیست، اما آن‌ها توانسته‌اند به دستاوردهای بزرگ نظامی دست پیدا کنند. جدا از موشک‌های بالستیک، مقاومت یمن پهپاد‌های انتحاری با برد دوهزار و پانصد کیلومتری هم در اختیار دارد. این پهپادها آنقدر کوچک شده که رهگیری آن برای دشمن سعودی سخت و پرهزینه شده است. انصارالله توانسته با استفاده از فناوری موشکی و پهپادی که به آن دست پیدا کرده‌اند، ضربات سنگینی را به زیرساخت‌های مهم عربستان همچون فرودگاه‌ها، پایگاه‌های نظامی و تاسیسات نفتی وارد کنند. حملات مکرر یمنی‌ها به تاسیسات آرامکو باعث شده تا بازار جهانی نفت دستخوش تغییر شود.

بعد از آنکه موشک‌های یمن، ریاض را هدف قرار دادند، سخنگوی نیروی هوایی یمن تلویحار رژیم صهیونیستی را نیز به حمله موشکی تهدید کرد. عبدالله الجعفری در این بار اظهار کرده بود: «تا زمانی که کشورهای ائتلاف به محاصره و تجاوز به یمن ادامه دهند، موشک‌ها و هواپیما‌های یمنی به ریاض و دورتر از ریاض (در اشاره به سرزمین اشغالی) خواهد رسید.» در داخل نیز یمن تا آستانه در دست گرفتن کنترل مارب که شریان حیاتی اشغالگران نیروهای ائتلاف وابسته به عربستان محسوب می‌شود پیش‌رفته است که اگر این اتفاق بیفتد در هر مذاکره صلح احتمالی، یمن دست برتر را خواهد داشت. بر همین اساس و با توجه به ۶ سال ناکامی سعودی‌ها در یمن، آمریکا اصلی‌ترین متحد ریاض در جنگ یمن، خواهان پایان دادن به این جنگ و اعلام آتش‌بس شده است. این اتفاق هنوز نیفتاده است، اما با توجه به تحولات میدانی و ناکامی سعودی‌ها از پیشروی، به‌نظر نمی‌رسد دیر یا زود ریاض با سرفراکندگی یمن را ترک کند.